

اثرات تک فرزندی بر سلامت روان



در دهه های اخیر از یک سو به دلیل مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و از سوی دیگر به دلیل آرمانگرایی در تربیت و تحصیلات فرزندان یکی از ملاحظات مهم در فرزندآوری، گرایش به تک فرزندی است. و مهم ترین علل کاهش نرخ باروری، افزایش سن ازدواج، بیشتر شدن فاصله ازدواج تا اولین بارداری، افزایش فاصله دو بارداری، افزایش آمار طلاق، ترویج فرهنگ غلط تک فرزندی و در برخی موارد تأمین نیازهای اولیه در برخی خانواده ها در خصوص فرزندآوری است. بی فرزندی یا تک فرزندی مسئله ای است که هم بر سلامت روان والدین و هم کودک تاثیر زیادی میگذارد. یک کودک تک فرزند تنها بزرگ می شود. والدین تک فرزند تمایل به محافظت بیش از حد از فرزند خود دارند، یک کودک تک فرزند ممکن است از درگیری افراطی والدین خسته شود، یک کودک تک فرزند هرگز تجربه داشتن خواهر، برادر، خواهرزاده و برادرزاده را نخواهد داشت و زندگی برای او بسیار یکنواخت خواهد بود. پژوهش ها نشان میدهد که تک فرزندان بیشتر از دیگران به اختلالات اضطرابی دچار می شوند و این مسئله میتواند به دلیل مسئولیت پذیری بیش از حد و حس کمالگرایی آنان باشد که باعث ایجاد اضطراب در آنان میشود؛ چرا که دائم بیم دارند که شکست بخورند و نتوانند موفق شوند. همچنین در مطالعاتی که در مورد مهارتهای اجتماعی انجام شده است، کاتینگ و دان به این نتایج رسیدند که تک فرزندان پرخاشگرتر و مخربتر بوده اند و در بین گروه دوستان، محبوبیت کمتری داشتند، درحالی که کودکانی که خواهر یا برادر داشتند، مهارتهای همکاری بیشتری در گروه نشان میدادند. در پژوهشی دیگر با عنوان مقایسه پذیرش اجتماعی، هوش معنوی و هوش هیجانی در دختران تک فرزند و چند فرزند به این نتیجه دست یافتند که دختران خانواده های چند فرزند از پذیرش اجتماعی و هوش هیجانی بیشتری نسبت به دختران خانواده های تک فرزند برخوردارند. بصورت کلی میتوان گفت که چند فرزندان به لحاظ اجتماعی با دیگران آسانتر درآمیخته میشوند و از سوی دیگر نشانه های کمتری از افسردگی، تنهایی و ناامیدی نشان میدهند.